

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال پانزدهم، شماره سوم

پاییز ۱۳۹۳، شماره مسلسل ۵۹

ائتلاف زیدیان و عباسیان در عصر اول عباسی؛ زمینه‌ها، عوامل،

پیامدها

تاریخ دریافت: ۹۳/۳/۱۷

تاریخ تأیید: ۹۳/۹/۴

* حسین حسینیان مقدم

** روح الله توحیدی نیا

گسترش آرای زیدبن علی (م. ۱۲۲) و حمایت زیدیان از رهبران حسنی، زیدیه را به فرقه‌ای تأثیرگذار در عرصه‌های مختلف تبدیل کرد. از سویی دیگر نخستین خلفای عباسی، برای پایان دادن به قیام‌های شیعی و دست‌یابی به اقتدار پایدار، از هر راهی استفاده می‌کردند. یکی از روش‌های اصلی خلفای عباسی برای رسیدن به این هدف نفوذ در بین گروه‌های شیعی، بوده است. محور اصلی مقاله حاضر، پاسخ به این پرسش است که آیا در عصر اول عباسی بین عباسیان و زیدیان ائتلافی برقرار شده است؟ بررسی تعاملات این دو گروه، وجود جریانی موسوم به ضعف را در بین زیدیه نشان می‌دهد که برخی باورهای آنها، هم‌چون جواز امامت مفضول، مرز فکری آنان را با خلفای عباسی کم‌رنگ

* استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

** دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

می‌کرد. مقاله با این جمع‌بندی به پایان رسیده است که ظاهراً خلفای عباسی با بهره‌برداری از زمینه‌های موجود موفق به ائتلاف با زیدیان و اثرگذاری بر آنها شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: زیدیه، زیدبن علی، امامت، عباسیان، عصر اول عباسی.

مقدمه

افکار عمومی جامعه درباره عدم صلاحیت امویان برای خلافت، سبب شد قیام‌های متعددی با هدف براندازی خلافت بنی‌امیه شکل گیرند. به طور کلی در قیام‌هایی که به برکناری امویان منتهی شد، دو جریان زیدی و عباسی، نقش برجسته‌ای ایفا می‌کردند. با روی کار آمدن عباسیان، بسیاری از شیعیان، خلافت ایشان را نپذیرفتند و آنان را غاصبان جدید حکومت خواندند.

خلفای عباسی برای مقابله با این اندیشه و جلوگیری از قیام شیعیان، از هیچ تلاشی فرو گذار نمی‌کردند. از این‌رو، با جذب برخی از مخالفان خود، به دنبال برقراری نوعی ائتلاف با ایشان برآمدند تا در سایه آن، پایه‌های حکومت نوپای خود را مستحکم کنند. ائتلاف به معنای اتحاد موقت گروه‌ها، منافع معینی را دنبال می‌کند و به شکل‌های مختلفی صورت می‌گیرد.^۱ از آن‌جا که اختلافات فراوانی میان زیدیان و عباسیان وجود داشت، کشف ائتلاف بین آنان، موضوع مهمی به نظر می‌رسد. هرچند برخی از محققان، زیدیه را گروهی تندرو معرفی می‌کنند و هرگونه رابطه مثبتی بین عباسیان و زیدیان را نفی می‌نمایند.^۲

موضوع این بحث از پیشینه تحقیق چندانی برخوردار نیست. کتابی با عنوان «دولتمردان شیعه در دستگاه خلافت عباسی»^۳ به مسئله حضور شیعیان امامی در دستگاه خلافت عباسی می‌پردازد و بسیاری از روابط میان آنها را رد می‌کند. این نوشته بر حضور فرقه زیدیه در خلافت عباسی تأکید می‌کند. هم‌چنین، کتاب «جهاد شیعه»^۴ و مقاله

«عملکرد عباسیان در قبال قیام های ضد اموی زید و یحیی»^۵ به برخی از بسترها و شواهد موضوع این مقاله، به صورت پراکنده اشاره می کنند.

مقاله حاضر درصدد است با روش توصیفی - تحلیلی، ضمن بازخوانی برخی اندیشه های زیدیه و بررسی مناسبات سیاسی - فکری آنان و عباسیان، با استفاده از پژوهش های بیان شده به بسط و تحلیل زمینه ها، عوامل و پیامدهای ائتلاف زیدیه و عباسیان در دوره اول عباسی (۱۳۲-۲۳۲ هـ. ق) بپردازد.

وضعیت فکری و سیاسی زیدیه

بررسی آرای برخی از عالمان بزرگ کوفه هم چون حکم بن عتیبه (م. ۱۱۵ هـ. ق)، ثابت بن هُرْمُر (م. ۱۲۱ هـ. ق) و سلمه بن کَهِیل (م. ۱۲۱ هـ. ق)، حضور تفکری را بر اساس جمع بین افضل بودن امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه السلام)، مشروعیت خلافت ابوبکر و عمر و لزوم قیام بر ضد ظالمان نشان می دهد.^۶ آنان قائل به نصب امام به وسیله خداوند نبودند^۷ و امامت را منحصر در گروه مشخصی نمی دانستند.^۸

با ورود زید بن علی به کوفه، بسیاری از معتقدان به امامت امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه السلام) از جمله این گروه، به وی پیوستند.^۹ در این زمان، شیعیان معتقد به نص، از امام صادق (علیه السلام) پیروی می کردند و در قیام زید حاضر نشدند. بدین ترتیب شیعیان به زیدیه و امامیه انشعاب یافتند. با گذشت زمان، شکاف به وجود آمده، بیشتر شد. چنان که وقتی عیسی فرزند زید بن علی^{۱۰} با جواب منفی امام صادق (علیه السلام) برای شرکت در قیام نفس زکیه روبه رو شد، آن حضرت (علیه السلام) را تهدید به قتل کرد و دستور داد، اموال ایشان را مصادره کنند.^{۱۱} امام (علیه السلام) پیروان خود را از پرداخت صدقه به زیدیه و ایجاد رابطه خانوادگی با آنها منع کرد.^{۱۲} بر اساس نظر شیخ مفید، سخت گیری منجر به شهادت امام صادق (علیه السلام) از سوی عباسیان، به دلیل بدگویی زیدیه بود.^{۱۳}

مطالعه باورها و عملکرد زیدیه نشان می دهد که آرای زیدی مذهب، یکسان نبود.

از این رو، تعداد فرقه‌های زیدیه تا هشت فرقه شمرده شده است.^{۱۴} اما اصیل‌ترین و مؤثرترین آنها دو فرقه هستند.^{۱۵}

اولین فرقه بُتریه است^{۱۶} که مشروعیت دادن به خلافت شیخین^{۱۷}، قائل بودن به جواز امامت مفضول با وجود افضل^{۱۸}، توقف درباره عثمان^{۱۹} و تسری دادن امامت در غیر از فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام^{۲۰} از مهم‌ترین تفاوت‌های ایشان با دیگر گروه‌های زیدی به شمار می‌آید. عالمانی که نام ایشان در ابتدای این بخش بیان شد، بنیان‌گذاران این فرقه محسوب می‌شوند.^{۲۱}

فرقه دیگر جارودیه است^{۲۲} که وجود نص درباره امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام و دو فرزند ایشان،^{۲۳} کافر بودن بیعت کنندگان با دو خلیفه نخست^{۲۴}، اعتراف آنان بر اشتباه،^{۲۵} الهام علوم بر امامان علیهم السلام هم‌چون پیامبران و اعتقاد به مهدویت^{۲۶} از باورهای مهم ایشان بود.

شاید همین اختلاف‌های وسیع سبب شد نوبختی (م. اوایل قرن ۴) زیدیه را به دو گروه ضعفا و اقویا تقسیم کند.^{۲۷} ضعفا همان بتریه، اولین فرقه زیدیه هستند که در قیام حسنین، حضور کم‌رنگی داشتند و به دلیل گرایش‌های فکری همسو با اهل سنت در قرن سوم هجری قمری به آنان پیوستند.^{۲۸} گروه دیگر، اقویا یا طرفداران ابی الجارود، پس از بتریه شکل گرفتند^{۲۹} و در قیام‌ها، حضوری گسترده و پرثمر داشتند.^{۳۰}

یکی از مسائل مهم برای دستیابی به زمینه ائتلاف زیدیان و عباسیان، روابط زیدیان با حسنین است. به عبارت دیگر عدم همسویی کامل زیدیان و حسنین سبب شد عباسیان به دنبال جذب زیدیه برای فرونشاندن قیام‌ها باشند. بررسی اشتراک و افتراق فکری این دو گروه نشان می‌دهد قیام حسنین برای دستیابی به حق خویش بوده است و از زیدیه استفاده ابزاری می‌کرده‌اند. بنابراین، هیچ شهادتی در خطبه‌ها و نامه‌های تاریخی موجود از حسنین، زیدی بودن آنان را نشان نمی‌دهد.

برخلاف برخی از کتاب‌های ملل و نحل که رهبران حسنی را امامان زیدی

خوانده‌اند^{۳۱}، نباید بنی‌حسن را به صورت مطلق در شمار زیدیه دانست. با آن‌که زیدیه از رهبران حسنی حمایت می‌کردند و در قیام آنان حضور یافتند^{۳۲} اما شواهدی چون مخالفت های متعدد آنان با رهبران حسنی و اصرار ایشان به برخی تصمیمات نظامی^{۳۳}، ایجاد تشنج در سپاه و قیام^{۳۴}، اشکال گرفتن از رهبران حسنی در موضوعات عقیدتی و جدا شدن از آنان^{۳۵}، عدم شرکت بزرگان حسنی در قیام های زید بن علی و یحیی بن زید^{۳۶} و دعوت حسنیان از دیگر مذاهب برای قیام^{۳۷}، این مسئله را ثابت می‌کند که زیدی خواندن همه حسنیان درست نیست.

روابط سیاسی - فکری زیدیان و عباسیان

ائتلاف بین دو گروه سیاسی - مذهبی، وابسته به روابط بین آنان است و این ارتباط بدون وجود بسترهای لازم ایجاد نمی‌شود. اشتراک مهم عباسیان و زیدیه، مخالفت هر دو با حکومت اموی بود. در این راستا هر دو گروه، فضایل اهل بیت (علیهم‌السلام) را می‌شمردند و با بیان درد ها و رنج هایی که از سوی امویان دامن گیر آنان شده بود، مردم را به سوی خویش دعوت می‌کردند^{۳۸}. عملکرد سالم بن ابی خفصه، یکی از بزرگان زیدی^{۳۹}، پس از پیروزی عباسیان این موضوع را تأیید می‌کند. وی مدت‌ها در دوره بنی‌امیه از ترس مخفی شد و با روی کار آمدن عباسیان در مکه شعار داد:

لبيك لبيك قاتل نعتل، لبيك لبيك قاتل بني اميه.^{۴۰}

دیگر تشابه، زیدیان و عباسیان آن بود که هر دو گروه، نیت خود را برپایی حکومت دینی می‌خواندند و با انتساب به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، گروه های مختلف فکری و سیاسی را به خود جذب می‌کردند. آنان می‌دانستند که در ابتدای قرن دوم هجری قمری، خاندان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از محبوبیت زیادی برخوردار هستند.^{۴۱}

شعار دعوت زیدیان^{۴۲} و عباسیان^{۴۳} مشترک بود و هر دو گروه، مردم را به الرضا من آل محمد می‌خواندند. اهداف مخفی شده به وسیله این شعار، کمتر مورد توجه عموم قرار

می‌گرفت. عباسیان با این شعار، علاوه بر مجهول نگاه داشتن نام امام عباسی، عواطف مسلمانان را تحریک می‌کردند.^{۴۴} آنان با بیان احادیثی از پیامبر ﷺ و استناد به انتصاب خود از سوی خداوند^{۴۶} به تکیه زدن بر تخت خلافت فکر می‌کردند.

یکی دیگر از مواردی که درباره چگونگی روابط عباسیان با زیدیان باید بررسی شود، رویارویی عباسیان با قیام‌های زید و یحیی است. منابع نشان می‌دهند که داعیان عباسی، همواره بر دوری از آل‌ابی طالب توصیه می‌کردند. پیام آنها در نامه‌ها آن بود که از شیعیان کوفه بپرهیزید^{۴۷} و بارها این موضع را در خصوص قیام‌های زید و یحیی اعلام کردند.^{۴۸} این توصیه‌ها سبب شد که داوود بن علی، برادر امام عباسی که از همراهان زید بود، کوفه را هنگام قیام ترک کند.^{۴۹}

عباسیان در قیام‌های زیدیه حاضر نشدند اما به دلیل آن که زید و یحیی به دلیل انتساب به پیامبر ﷺ و از دست دادن جان خویش در راه مبارزه با حکومت اموی دارای جایگاه ویژه‌ای بودند، با تبلیغات گسترده، خود را به عنوان منتقمان زید و یحیی معرفی کردند.^{۵۰} آنان با ترویج این موضوع، عده بسیاری را با ادعای مقابله با قاتلان فرزندان رسول خدا ﷺ جذب نمودند.^{۵۱} این تبلیغات وسیع سبب شد خراسان برای مدتی چهره ماتم به خود گرفت و مردم بر مصیبت زید و یحیی گریستند^{۵۲} و برای ماندگاری مظلومیت یحیی تا مدت‌ها فرزندان خود را به اسم وی نام‌گذاری کردند.^{۵۳}

فضای بهره‌برداری از قیام زید و یحیی تا سال‌ها پس از روی کار آمدن عباسیان ادامه داشت. ابومسلم قاتلان یحیی را کشت^{۵۴} و با خانواده ایشان بدرفتاری کرد.^{۵۵} هم‌چنین، خلیفه عباسی دستور داد بدن هشام بن عبدالملک، خلیفه هم عصر زید را از قبر بیرون آورند و به دار آویزند.^{۵۶} این موارد در کنار دستگیری و کشتن توهین‌کنندگان به زید^{۵۷} و اعطای کیسه‌های زر به مدح‌کنندگان زید و یحیی^{۵۸} در دوره سفاح (۱۳۲-۱۳۶ هـ. ق)، وسعت بهره‌برداری عباسیان از قیام‌های زید و یحیی را پیش از دستیابی به حکومت و پس از آن نشان می‌دهد.

به نظر می‌رسد هدف عباسیان آن بود که علاوه بر ایجاد نشاط و هیجان دوباره در بین مردم، رضایت مردم و زیدیه را جلب کنند. کوشش عباسیان برای جذب گروه‌های مختلف فکری، هیچ‌گاه سبب نشد از خواسته خود بگذرند. آنان، زمانی که زیدیه را مانع دستیابی به اهداف خود دیدند، برای از میان بردن ایشان، لحظه‌ای درنگ نکردند. برای نمونه، پس از آن که ابومسلم قیام کرد و به فتوحاتی دست یافت، با شنیدن خبر قیام عبدالله بن معاویه، به مقابله با وی دستور داد. این در حالی بود که بسیاری از طرفداران معاویه، زیدی مذهببان کوفه بودند.^{۵۹}

موضوع مهم دیگری که بستر لازم را برای حمایت زیدی مذهببان از خلفای عباسی پدید آورد، اعتقاد ایشان به جایگاه امامت بود. زیدیان علاوه بر آن که به علم الهی و عصمت امام قائل نبودند، با وجود شرایطی امامت مفضول را جایز می‌شمردند.^{۶۰} این تفکر به دلیل آن بود که برخی از معتزله که امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه السلام) را افضل صحابه پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌دانستند، از عمل شیخین حمایت می‌کردند و به همین دلیل، صحابه را در کنار زدن امیرالمؤمنین از خلافت و تقدیم مفضول بر افضل معذور می‌دانستند.^{۶۱}

بیشتر معتزله، قائل به جواز و بلکه لزوم امامت مفضول بودند.^{۶۲} براساس این باور، در صورتی که مفضول بتواند میان مردم وحدت ایجاد کند، از خون‌ریزی پیش‌گیری کند و طمع دشمنان را به امت اسلامی برطرف کند، بر افضل مقدم خواهد بود.^{۶۳} این موضوع این امکان را برای خلفای عباسی پدید آورد که با حفظ برخی از ظواهر، به عنوان خلیفه و امام مفضول، رضایت زیدیه را جلب نمایند.

سیاست نرمش و شدت خلفای عصر اول عباسی

بنابر آنچه گذشت، زیدیه از گروه‌های فعال سیاسی شیعه در ابتدای خلافت عباسی و متشکل از گروه‌های داخلی با گرایش‌های متفاوت بود. عباسیان در عصر اول با اعمال سیاست نرمش و شدت به دنبال جذب و ائتلاف با زیدیان بودند. هم‌چنین زیدیان با

حسینان، مهم‌ترین دشمنان داخلی عباسیان، اشتراک و همسویی کاملی نداشتند. این موارد سبب شد عباسیان رویکرد متفاوتی درباره برخی از زیدیه در پیش گیرند و به دنبال فردی زیدی و قابل اعتماد برای بی‌اثر کردن قیام‌های حسینان باشند.

مطالعه عملکرد گروه‌های زیدی مذهب نشان می‌دهد برخی از زیدیان به دلیل باورهای متفاوت با بنی‌عباس و علاقه مندی به پیشوایان حسنی، هیچ‌گاه ائتلاف با عباسیان را نپذیرند. با این وجود، از یک‌سو تلاش خلفای عباسی و از سوی دیگر، انگیزه‌های مختلف زیدیان مانند به دست آوردن منصب حکومتی سبب جذب برخی از آنها شد.

همکاری دو گروه در ادامه منافع مذهبی بود؛ زیرا حکومت عباسی با شعار برپایی اسلام، روی کار آمده بود و با حفظ ظواهر تا حد زیادی توفیق یافته بود. در این شرایط، فرصتی برای زیدیان به بوجود آمد که با دست‌یابی به جایگاه سیاسی و اجتماعی، فضای آرامی را برای فعالیت خود پدید آوردند. هدف دیگر این ائتلاف را باید در منافع شخصی زیدیان رصد کرد. منابع نشان می‌دهند عباسیان از وعده دادن و پرداخت مبالغ سنگین به زیدیان برای جلوگیری از قیام‌های حسنی دریغ نکرده‌اند^{۶۴} و شاهد این مورد در دوره منصور و هارون بیان خواهد شد.

بررسی سیاست کلان هر یک از خلفای عباسی، محدوده ائتلاف آنان با زیدیه را آشکار خواهد کرد. ابوالعباس^{۶۵} سفاح در آغاز خلافت به مدح کوفیان پرداخت، به آنان وعده افزایش مقرری داد و امویان را غاصبان حکومت خواند.^{۶۶} وی تا پایان عمر بر گفتار خویش استوار ماند و در عصر وی، علویان از آرامش نسبی برخوردار بودند.

پس از عصر کوتاه حکومت او، منصور مقابله با علویان را در دستور کار خویش قرار داد.^{۶۷} او به محض این که به خلافت رسید، دستور دستگیری علویان را صادر کرد و پس از قیام نفس زکیه، عده زیادی از زیدیان طرفدار قیام را زندانی نمود.^{۶۸} اتخاذ این سیاست سخت‌گیرانه،^{۶۹} به منظور تضعیف مخالفان و از بین بردن زمینه شورش‌های مردمی بود.^{۷۰}

منصور که از نفوذ فرزندان پیامبر ﷺ در بین مردم آگاه بود، سخت‌گیری بر ایشان را در خطابه‌های خویش توجیه می‌کرد.^{۷۱} با این حال، منصور در کنار سخت‌گیری، از راه‌های مسالمت‌آمیز غافل نبود. او با وعده‌های پرجاذبه، حسنیان را به صلح و سازش فرا خواند^{۷۲} و برای جلب رضایت آنان، به فرزندش، مهدی وصیت کرد سیاستی متعادل و نرم داشته باشد.^{۷۳}

شواهدی مانند مخالفت محمد فرزند زید بن علی با محمد نفس زکیه و ابراهیم باخمرا و پس از آن با برادرش حسین بن زید و پیوستن او به منصور عباسی^{۷۴}، اختلاف درونی شدیدی را میان حسنیان و حتی فرزندان زید نشان می‌دهد. بخشی از اختلاف حسنیان می‌تواند نتیجه تلاش‌های منصور باشد. ریشه اختلاف‌های آنان درون گروهی است و فقط منصور از آنها سود برده و ارتباط خود را با زیدی مذهبیان معترض تقویت کرده است. برای نمونه، خبر قابل نقدی حکایت از آن دارد که وقتی ابراهیم باخمرا بر جنازه‌ای نماز خواند و بر خلاف شیعه، چهار تکبیر گفت، با اعتراض و جدایی عیسی فرزند زید بن علی^{۷۵} رو به رو شد. منصور برای بهره بردن از این اختلاف، شخصی را نزد عیسی فرستاد تا زیدیان را از همراهی ابراهیم پراکنده کند.^{۷۶}

سیاست مدارا و تعامل عباسیان با روی کار آمدن مهدی عباسی حیاتی دوباره گرفت. هنگامی که ربیع بن یونس^{۷۷} (م. ۱۶۹ هـ. ق) از دیگران برای وی بیعت گرفت، عده‌ای از علویان^{۷۸} از جمله حسن بن زید علوی^{۷۹} (م. ۲۰۸ هـ. ق)، که زندانی منصور بود با وی بیعت کردند.^{۸۰} مهدی، زندانیان را آزاد کرد^{۸۱}، به خاص و عام محبت نمود، به دادرسی مظلومان همت گماشت و فراوان بخشش کرد.^{۸۲} مهدی عباسی، رضایت مردم حجاز را جلب کرد، از افرادی که به دلیل حمایت از قیام نفس زکیه، منصور به آنان ستم کرده بود دل‌جویی کرد و بسیاری از اهل حجاز را در لشکر خویش قرار داد.^{۸۳}

این در حالی بود که حجاز در این دوران به مرکز اصلی نهضت‌های شیعی تبدیل شده بود. وی در سال ۱۶۰ هـ. ق به حجاز سفر کرد و اموال فراوانی به مردم مکه و مدینه

بخشید.^{۸۴} هم‌چنین علاوه بر نوسازی و توسعه اماکن مقدس^{۸۵}، برای تقرّب بیشتر به اهل مدینه، دختری را از این شهر به نکاح خود در آورد^{۸۶} و براساس گزارشی، به‌جای جاسوسان و گماشتگان منصور برای اطلاع از تحرکات علویان در مدینه^{۸۷}، پیکی را برای برقراری ارتباط بین حجاز و عراق مأمور کرد.^{۸۸}

پس از دوران مهدی، رویکرد سخت‌گیرانه هادی عباسی (۱۶۹-۱۷۰ هـ. ق)^{۸۹} سبب قیام شهید فخر شد اما با روی کار آمدن هارون (۱۷۰-۱۹۳ هـ. ق) وضعیت تغییر کرد. وی بر پایه نیک خلقی^{۹۰} و بنابر وصیت مهدی، سیاست مدارا پیش گرفت.^{۹۱} برای نمونه، عمر بن عبدالعزیز، والی مدینه را عزل کرد^{۹۲} اما عملکرد او در این باره کافی به نظر نرسید و به همین جهت، دو قیام یحیی و ادريس، فرزندان عبدالله شکل گرفت.

جلوه‌های ائتلاف

پس از تبیین زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری ائتلاف بین زیدیان و عباسیان، مهم‌ترین نمونه‌های ائتلاف در سه حوزه اداری، سیاسی و فرهنگی در دوره سه خلیفه عباسی؛ یعنی منصور، مهدی و هارون بررسی می‌شود.

۲. حوزه اداری

ائتلاف زیدیان و عباسیان در دوره منصور عباسی در حضور کارگزاران زیدی در مناصب حکومتی تعریف می‌شود. قیس بن ربیع کوفی (م. ۱۶۸ هـ. ق)^{۹۳} یکی از این افراد است که به عنوان قاضی و حاکم منصور عباسی در مدائن فعالیت می‌کرد.^{۹۴} هم‌چنین عبدالله نجاشی^{۹۵} از زیدی مذهببان حاضر در دستگاه خلافت منصور بود. نجاشی، نویسنده کتاب رجال، نهمین فرزند او است که در کتاب خود، او را به عنوان والی اهواز از سوی منصور عباسی معرفی می‌کند.^{۹۶}

یکی دیگر از کارگزاران زیدی منصور و مهدی عباسی، عقبه بن سلم^{۹۷} (م. ۱۶۷ هـ. ق) است.^{۹۸} وی نزد منصور عباسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود.^{۹۹} منابع متأخر، شیعه

بودن وی را قطعی می‌دانند^{۱۰۰} و با توجه به شواهدی، از جمله آن که بین برتری امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام برای خلافت و مشروعیت شیخین جمع می‌کند، ابوالفرج اصفهانی از وی به عنوان نویسنده‌ای زیدی مذهب نام می‌برد.^{۱۰۱} او در دو قیام محمد نفس زکیه و ابراهیم شرکت داشته است^{۱۰۲} و احتمال زیدی بودن وی بیشتر است. منصور که از زیدی بودن وی آگاه بود، او را فراخواند و از او خواست تا به خاندان حسنی نزدیک شود و فعالیت ایشان را گزارش کند.^{۱۰۳} هم‌چنین مطابق گزارش طبری، وی مدتی از سوی خلیفه، عامل بحرین و بصره بود.^{۱۰۴}

در دوره حکومت مهدی عباسی، مهم‌ترین شاهد شکل‌گیری ائتلاف زیدیان و عباسیان، حضور و نقش مؤثر یعقوب بن داوود سلمی (م. ۱۸۶ هـ. ق) در نهاد وزارت است. او از هواداران نفس زکیه و برادرش ابراهیم بود و به سبب شرکت در قیام‌های ایشان به وسیله منصور عباسی دستگیر شد.^{۱۰۵} شیخ صدوق^{۱۰۶}، ابن طقطقی^{۱۰۷} و ابن عماد حنبلی^{۱۰۸} به زیدی بودن وی تصریح دارند. وی در دوره مهدی از زندان آزاد شد و نزد مهدی، منزلت والایی یافت. تا آن‌جا که مهدی، وی را برادر خواند و او را به وزارت منصوب کرد.^{۱۰۹} وی از حیث عقل، رفتار، فضل و کمال از سرآمدان دوره خود بود.^{۱۱۰} این امر، دقت انتخاب مهدی برای بهره‌بردن از ارتباط با وی دارد. تاریخ فخری^{۱۱۱} درباره دلیل انتخاب یعقوب بن داوود برای منصب وزارت می‌نویسد:

مهدی از آن‌جا که ترسید فرزندان حسن دست به کارهایی بزنند که تدارک و جبران آن مشکل باشد، در جست‌وجوی شخصی برآمد که با ایشان مأنوس بوده و قیام ایشان را به وسیله وی سرکوب کند. از این‌رو، ربیع حاجب به وی دوست دیرینه‌اش، یعقوب بن داوود را معرفی کرد.

بر اساس گزارش طبری، مهدی عباسی به دنبال شخصی زیدی مذهب بوده است.^{۱۱۲} موقعیت یعقوب در دستگاه خلافت به اندازه‌ای فزونی یافت که گویی خلافت بنی عباس

زیر دست او قرار داشت.^{۱۱۳} یعقوب بن داوود علاوه بر آن که نقش مؤثری در نهاد خلافت بر عهده داشت، سبب شد بسیاری از ولایت ها تحت نظارت و مدیریت علویان و به خصوص هم کیشان زیدی او قرار گیرند.^{۱۱۴}

وسعت عزل و نصب صورت گرفته به وسیله یعقوب به اندازه ای بود که عده ای به مهدی گوشزد کردند که شرق و غرب خلافت اسلامی در دست وی و زیدیان است و هر آن ممکن است بر ضد تو شورش کنند. پس از مدتی که سعایت ها فزونی گرفت و یعقوب با خلیفه مخالفت کرد مهدی، وی را برکنار نمود.

مطابق گزارش طبری از علی بن محمد نوفلی، مهدی در جلسه ای خصوصی پس از اهدای کنیز و هدایا به یعقوب، از وی تعهد گرفت که فردی از علویان را به قتل رساند اما یعقوب برخلاف دستور خلیفه، مقدمات فرار وی را مهیا کرد. این اقدام به وسیله کنیز وی فاش شد و مهدی عباسی، یعقوب را زندانی کرد.^{۱۱۵} این گزارش نشان می دهد یعقوب در اوج قدرت، همسویی با هم کیشان خویش را فراموش نکرده بود.

۲. حوزه فرهنگی

ابن مفضل یکی از زیدی مذهبانی است که در دوره مهدی با او همکاری می کرد. اطلاعات کمی درباره او موجود است. ابن مفضل، اولین نگارنده ملل و نحل است. او نگارش این کتاب را به دستور مهدی آغاز کرد.^{۱۱۶} این کتاب، سبب آشکار شدن آرای سیاسی امامیه برای خلیفه عباسی شد و بر اساس آن، خلیفه سخت گیری بر امامیه را در دستور کار خود قرار داد.^{۱۱۷} از این رو، هشام به دستور امام کاظم علیه السلام تا پایان زندگی مهدی، با مخالفان مناظره نکرد.^{۱۱۸}

در دوره هارون عباسی، شواهدی درباره ائتلاف زیدیان و عباسیان وجود دارد. هشام بن ابراهیم مشرقی، فردی زیدی مذهب و مؤلف کتاب هایی درباره زیدیه است.^{۱۱۹} آن چه ائتلاف وی را با عباسیان نشان می دهد، کتاب او درباره عباس، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله است که در آن، امامت وی را اثبات نمود و آن را به هارون اهدا کرد.^{۱۲۰} هارون در مقابل اقدام

هشام، وی را تکریم کرد و به هشام لقب عباسی داد.^{۱۲۱} و این گزارش نشان می‌دهد عباسیان پس از یک قرن حکومت، هم‌چنان با مشکل مشروعیت سیاسی روبه‌رو بودند و برای رفع آن مجبور به ائتلاف با زیدیان و یاری گرفتن از بزرگان آنان می‌شدند.

۳. حوزه سیاسی

یکی از شواهد مهم ائتلاف عباسیان و زیدیان، بهره‌گیری هارون از فردی زیدی مذهب برای پایان دادن به قیام ادريس بن عبدالله است.^{۱۲۲} هنگامی که خبر پیش‌روی ادريس به هارون رسید، با یحیی برمکی مشورت کرد. او پیشنهاد داد برای رفع این مشکل، نیاز به کمک گرفتن از شخصی زیدی است. او پس از موافقت خلیفه، سلیمان بن جریر، یکی از برترین متکلمان زیدی از شاخه بتری را معرفی کرد. وعده ثروت و مقام از سوی هارون سبب شد، زمانی که سلیمان بن جریر، پس از مدتی همراهی با ادريس، نزد وی تقرب یافت در ربیع الاول سال ۱۷۷ هـ. ق، وی را مسموم کند.^{۱۲۳}

صورت دیگر بهره‌بری از زیدیه برای سرکوب کردن قیام‌ها، در رویارویی هارون با یحیی بن عبدالله مشاهده می‌شود. یحیی برادر نفس‌زکیه و از رهبران برجسته حسنی بود که در سال ۱۷۶ هـ. ق در طبرستان قیامی موفق انجام داد. زمانی که خبر پیش‌روی وی به هارون رسید، خلیفه نامه‌ای برای وی ارسال کرد و با وعده‌های فراوان، سپاه او را از حرکت باز داشت و با پیشنهادهایی او را به بغداد کشاند.^{۱۲۴} منابع درباره نام زیدی مذهبانی که به عنوان عامل خلیفه در فروپاشی قیام یحیی نقش ایفا کرده‌اند، خاموش هستند اما تصریح دارند که اختلاف‌های ایجاد شده در سپاه یحیی به وسیله زیدی مذهبان صورت گرفت و همین امر سبب پذیرش پیشنهاد هارون و ناتوانی یحیی از قیام شد.^{۱۲۵}

یکی از پیامدهای مهم ائتلاف عباسیان و زیدیان، بدگویی آنان از پیشوایان امامیه نزد خلفا بود. علاوه بر نظر شیخ مفید در نقش داشتن زیدیه در شهادت امام صادق علیه السلام^{۱۲۶}، شواهدی درباره بدگویی ایشان از امام کاظم علیه السلام وجود دارد. مطابق گزارش شیخ صدوق، محمد بن جعفر زیدی مذهب^{۱۲۷} نزد هارون حاضر شد و با این سخن که «فکر نمی‌کردم

دو خلیفه بر مسلمانان حکومت کند، تا برادرم موسی بن جعفر را دیدم» به بدگویی از آن حضرت علیه السلام پرداخت. هم‌چنین یعقوب بن داوود سلمی در شمار بدگویان امام کاظم علیه السلام نام برده می‌شود.^{۱۲۸}

نتیجه

جدایی و مقابله زیدیه و امامیه پس از قیام زید، عدم هماهنگی کامل میان زیدیه و رهبران قیام‌های حسنی، اعتقاد زیدیه بر لزوم قیام بر ضد امویان، جواز امامت مفضول، دعوت هر دو گروه به امامت فردی از اهل بیت علیهم السلام، حضور گروهی موسوم به ضعفا در زیدیه و تبلیغات گسترده بنی‌عباس در دفاع از قیام‌های زید و یحیی و طرفداران ایشان به وسیله داعیان و خلفای عباسی، برخی از مهم‌ترین مواردی هستند که زمینه ائتلاف زیدیان و عباسیان را پدید آوردند.

حسینان خلافت را حق خود می‌دانستند و با تأکید بر عدم مشروعیت عباسیان، پیوسته به دنبال قیام بر ضد آنان بودند. این امر سبب شد عباسیان از بستر به‌وجود آمده، استفاده کنند و برای ائتلاف با گروهی از زیدیه بکوشند. اوج ائتلاف در عصر اول عباسی در دوره مهدی و با اعطای منصب وزارت به فردی زیدی‌مذهب صورت گرفت که علاوه بر جلوگیری از قیام در این دوره، سبب روی کار آمدن بسیاری از زیدیان در ولایات شد. این ائتلاف در دوره هارون ادامه یافت و مهم‌ترین شاهد آن، استفاده از متکلمی زیدی برای کشتن رهبر حسنینان است. پیامد مهم این ائتلاف، پس از جلوگیری از قیام‌های شیعی، سخت‌گیری بر پیشوایان امامیه است. چنانچه بدگویی زیدی‌مذهب‌ان از امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام، موجب سخت‌گیری عباسیان و شهادت آنان شد.

پی نوشت‌ها:

۱. ر.ک: اعرابی، مفاهیم و دیدگاه های ائتلاف استراتژیک، مطالعات مدیریت و بهبود و تحول، زمستان ۱۳۸۶، ش ۵۶، ص ۱۹-۲۶.
۲. جلالی مقدم، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۸، ج ۲ ص ۲۶۴.
۳. صادقی مصطفی، دولتمردان شیعه در عصر خلافت عباسی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۰.
۴. مختار اللیثی، جهاد شیعه، ترجمه محمد حاجی تقی، قم: شیعه شناسی، ۱۳۸۴.
۵. بختیاری شهلا، عملکرد عباسیان در قبال قیام های ضد اموی زید و یحیی، علوم انسانی دانشگاه الزهراء، تابستان ۱۳۸۶، ش ۶۵، ص ۱-۲۰.
۶. ر.ک: ابن سعد، بیروت: دارصادری تا، ج ۲، ص ۴۲۰، ۴۲۵، ۴۶۱؛ ابن ندیم، ۱۳۵۰، ص ۲۲۷؛ نجاشی رجال نجاشی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۶۰، شیخ طوسی، اختیار معرفة الرجال، تحقیق سید مهدی رجائی، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۹۸-۵۰۶؛ ابن داوود حلی، رجال ابن داوود، تحقیق صادق بحر العلوم، نجف: منشورات مطبعة الحیدریة ۱۳۹۲ق، ص ۱۴۴.
۷. نوبختی، فرق/الشیعه، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۴هـ. ق، ص ۵۶.
۸. کلینی، کافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۲۴؛ قاضی نعمان، دعائم الاسلام، تحقیق سید محمد حسینی جلالی، قم: جماعة المدرسین، بی تا، ج ۱، ص ۷۵.

۹. نوبختی، پیشین، ص ۵۲-۵۵؛ حمیری، حور العین، تهران: نشر اعادات، بی تا، ص ۱۸۰-۱۸۲؛ اشعری علی بن اسماعیل، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲، ص ۶۵.
۱۰. عیسی بن زید بن علی از سران زیدیه است و در قیام محمد نفس زکیه و برادرش ابرهیم شرکت کرد. (ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، نجف: المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۵ هـ. ق، ص ۲۶۸)
۱۱. کلینی، پیشین، ج ۱ ص ۳۶۳.
۱۲. شیخ طوسی، پیشین، ج ۱، ص ۱۴۲؛ ج ۲، ص ۴۹۴.
۱۳. شیخ مفید، ارشاد، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ هـ. ق، ج ۳، ص ۲۷۴.
۱۴. مسعودی، مروج الذهب، قم: مؤسسة دارالهجره، ۱۴۰۹ هـ. ق، ج ۳، ص ۲۳۲.
۱۵. شهرستانی، الملل والنحل، تخریج محمد فتح الله بدران، قاهره: مكتبة الانجلو المصریه، بی تا، ص ۱۵۷؛ عبدالقاهر بغدادی، الفرق بین الفرق، تهران: اشراقی، ۱۳۶۷، ص ۲۲.
۱۶. پروان حسن بن صالح حی (م. ۱۶۸ هـ. ق) و کثیر النواء (م. ۱۳۰ هـ. ق) را گویند. (اشعری، المقالات و الفرق، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱، ص ۱۸؛ نوبختی، پیشین، ص ۲۰؛ اشعری علی بن اسماعیل، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، پیشین، ص ۴۱)
۱۷. اشعری سعد بن عبدالله، المقالات و الفرق، پیشین، ص ۱۸؛ ابن مرتضی، البحر الزخار الجامع لمذاهب علماء الامصار، قم: مجمع الزخائر الاسلامی، بی تا، ج ۱، ص ۴۰.
۱۸. ایجی، المواقف، شرح علی بن محمد جرجانی، قم: شریف رضی، بی تا، ج ۳، ص ۶۹۰؛ ابن مرتضی، پیشین، ج ۱، ص ۴۰؛ عمرجی، الحیاه السیاسیه و الفکریه للزیدیه فی مشرق الاسلامی، قاهره: مكتبة مدبولی، بی تا، ص ۸۸.
۱۹. شهرستانی، پیشین، ص ۱۶۱؛ اشعری علی بن اسماعیل، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، پیشین، ص ۶۹؛ عبدالقاهر بغدادی، پیشین، ص ۳۷.

۲۰. نوبختی، پیشین، ص ۵۷.
۲۱. رک: ابن داوود حلی، پیشین، ص ۲۹۰؛ درباره آرای این گروه و مصادره آنان به وسیله بتریه، ر. ک: رحمان ستایش، تحلیل روایات حکم بن عتیبه و انتسابش به زیدیه، کتاب قیم، ش ۳، ص ۱۷۵-۲۰۲، ۱۳۹۰، ص ۱۷۶-۱۸۱.
۲۲. پیروان ابوالجارود زیاد بن منذر (م. ۱۵۰ هـ. ق) (نوبختی، پیشین، ص ۵۴؛ اشعری، پیشین، ص ۴۱).
۲۳. اشعری، پیشین، ص ۴۱؛ ابن مرتضی، پیشین، ج ۱، ص ۴۰.
۲۴. شهرستانی، پیشین، ص ۱۵۸؛ اشعری، پیشین، ج ۱، ص ۶۶؛ شیخ مفید، اوائل المقالات، بیروت: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ص ۴۰.
۲۵. ابن بابویه، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: جماعة المدرسین، بی تا، ص ۱۷۱، ۵۵۴.
۲۶. اشعری، پیشین ج ۱، ص ۶۷؛ عبدالقاهر بغدادی، پیشین، ص ۳۱؛ اکوع، الزیدیه نشأتها و معتقداتها، دمشق: دارالفکر، ۱۴۱۷ هـ. ق، ص ۲۶.
۲۷. نوبختی، پیشین، ص ۵۰.
۲۸. درباره شکل گیری بتریه و عدم شرکت در قیامها، رک: فان اس، علم الکلام و المجتمع فی القرنین الثانی و الثالث، ترجمه صالح سالمه، کلن: الجمل، ۲۰۰۸ م، ص ۲۵۴؛ درباره پیوستن بتریه به اهل سنت، رک: مادلونگ، زیدیه، ترجمه سید محمد منافیان، طلوع، شماره ۱۵، ص ۱۷۸.
۲۹. ابوالجارود از شاگردان صادقین ۷ و تا دوره ای از امامیه بوده است که بعدها به زید می پیوندد (عمرجی، پیشین، ص ۸۴).
۳۰. ابوالفرج اصفهانی، پیشین، ص ۴۳۳؛ شیخ مفید، ارشاد، پیشین، ج ۲ ص ۲۱۲؛ اربلی، کشف الغمّة، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۵ هـ. ق، ج ۲، ص ۳۹۶.
۳۱. نوبختی، پیشین، ص ۵۸-۵۹؛ شهرستانی، پیشین، ص ۱۵۷.

۳۲. ابو خالد واسطی، قاسم بن سلم سلمی (ابوالفرج اصفهانی، پیشین، ص ۲۹۴) و برخی فرزندان زید (همان، ص ۲۷۷) در قیام نفس زکیه حاضر بودند و بزرگانی چون سلام بن ابی واصل (همان، ص ۳۵۴)، حمزة بن عطا (همان، ص ۳۵۷) و خلیفه بن حسان (همان، ص ۳۶۲) در لشکر ابن طباطبا بودند.

۳۳. درباره مخالفت زیدیه با قیام ابرهیم، رک: همان، ص ۲۶۹.

۳۴. همان، ص ۴۶۸.

۳۵. همان، ص ۳۳۵.

۳۶. درباره اعلام نفس زکیه به عدم حضورش در این قیام ها، رک: جاحظ، *البيان و التبیین*، بیروت: دار و مکتبه الهلال، بی تا، ج ۱، ص ۲۵۵.

۳۷. درباره همراهی مذاهب دیگر چون معتزله و مرجئه، رک: نجفیان، واکاوی دلایل حمایت، همراهی و همگرایی فکری اصحاب مذاهب اسلامی با نخستین قیام های سادات حسنی، *مطالعات تاریخ فرهنگی*، بهار ۹۱، ش ۱۱، ص ۱۰۵-۱۱۶.

۳۸. دینوری، *اخبار الطوال*، تحقیق عبد المنعم عامر، بی جا: دار احیاء الکتب العربیه، ۱۹۶۰م، ص ۳۳۵؛ ابوالفرج اصفهانی، پیشین، ص ۲۳۳-۲۳۴.

۳۹. ابن بابویه، *من لایحضر الفقیه*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: جماعة المدرسین، ۱۴۰۴ هـ. ق، ج ۴ ص ۵۴۴؛ مزی، *تهذیب الکمال*، بیروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۶ هـ. ق، ج ۱۰، ص ۱۳۵.

۴۰. ابن سعد، پیشین، ج ۶، ص ۳۳۶؛ عقیلی، *ضعفاء الکبیر*، تحقیق عبدالمعطی امین قلجی، بیروت: دار الکتب العلمیه، بی تا، ج ۲، ص ۱۵۲؛ ابن حجر، *تهذیب التهذیب*، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۴ هـ. ق، ج ۳، ص ۳۷۵.

۴۱. اشعار کمیت بن زید اسدی (م. ۱۲۶ هـ. ق) (کمیت بن زید، *شعر الکمیت*، تحقیق داوود سلوم، بیروت: عالم الکتاب، بی تا، ص ۴۳-۴۷)، سید حمیری (م. ۱۷۳ هـ. ق) (*دیوان السید الحمیری*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا، ص ۱۷۴) و ابراهیم بن مهاجر (مقریزی، *متاع*

- الاسماع، تحقیق محمد عبدالحمید النمیس، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰هـ. ق، ص ۵۴)
بیان گر این امر است.
۴۲. ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسین اعلمی، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۴ هـ. ق، ج ۲، ص ۲۲۵؛ کلینی، پیشین، ج ۸، ص ۲۶۴.
۴۳. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۳۲۳.
۴۴. عطوان، الدعوه العباسیه مبادی و اسالیب، اردن: مکتبه المحتسب، ۱۳۸۸، ص ۹۴.
۴۵. مطابق حدیثی پیامبر ﷺ به دولت بنی هاشم بشارت می دهد و به عموی خود، عباس می فرماید: فرزندان تو حکومت را در دست خواهند گرفت (ابن طقطقی، تاریخ فخری، ترجمه وحید گلیایگانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷، ص ۱۹۱).
۴۶. طبری، تاریخ، چاپ چهارم، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۸، ص ۸۹.
۴۷. مؤلف ناشناس، اخبار دولة العباسیه، تحقیق عبدالعزیز دوری، بیروت: دارالطلیعه، بی تا، ص ۲۰۰، ۲۳۱.
۴۸. همان، ص ۲۴۲.
۴۹. همان، ص ۲۳۱-۲۳۲.
۵۰. بلاذری، انساب الاشراف، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۴هـ. ق، ج ۲، ص ۲۶۴؛ ابوالفرج اصفهانی، پیشین، ص ۱۸۰.
۵۱. یعقوبی، تاریخ، بیروت: دار صادر، بی تا، ج ۲، ص ۳۲۶.
۵۲. ابن اعثم، الفتوح، تحقیق علی شیر، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۱۱هـ. ق، ج ۸، ص ۶۰.
۵۳. ابوالفرج اصفهانی، پیشین، ص ۱۴۵-۱۵۰؛ هارونی، الافاده فی تاریخ الائمه الساده، بیروت: بی نا، ۱۹۸۷م، ص ۶۸-۷۲.
۵۴. ابوالفرج اصفهانی، پیشین، ص ۱۶۱.

۵۵. ابن اثیر، پیشین، ج ۴، ص ۲۹۱.
۵۶. ابن سعد، پیشین، ج ۵، ص ۲۵۱؛ ابن جوزی، *زاد المسیر*، بیروت: دارالاحیاء التراث، ۱۳۸۲ هـ. ق، ج ۷ ص ۲۱۲.
۵۷. بلاذری، پیشین، ج ۳، ص ۴۳۰.
۵۸. مسعودی، پیشین، ج ۲، ص ۳۵۵.
۵۹. درباره حمایت زیدیه از عبدالله بن معاویه و چگونگی مقابله با ایشان، رک: بلاذری، پیشین، ج ۲، ص ۶۴؛ ابوالفرج اصفهانی، پیشین، ص ۱۵۷؛ ابن طقطقی، پیشین، ص ۱۳۹.
۶۰. شهرستانی، پیشین، ص ۱۵۵؛ ابن خلدون، مقدمه، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا، ص ۱۹۷.
۶۱. رک: نجف زاده، *افضلیت امام از دیدگاه فرق کلامی، فلسفه و کلام*، ۱۳۸۴، ش ۸۴، ص ۱۸۰-۱۸۴.
۶۲. قاضی عبدالجبار، *المغنی فی ابواب التوحید و العدل*، قاهره: الشرکه العربیه للطباعه و النشر، بی تا، ج ۲۰ ص ۲۲۶-۲۳۳.
۶۳. حمیری، پیشین، ص ۱۵۱-۱۵۲.
۶۴. منصور عباسی برای دست یافتن به نفس زکیه، به افزایش مستمری بیت المال و منصب‌های حکومتی وعده می دهد (ابن عبد ربه، *عقد الفرید*، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۴ هـ. ق، ج ۵، ص ۷۱).
۶۵. یعقوبی، پیشین ج ۲، ص ۲۸۲.
۶۶. طبری، پیشین، ج ۷، ص ۴۲۵-۴۲۶.
۶۷. درباره اقداماتی که سبب رنج و زحمت فراوان علویان شد، رک: ذهبی، *تاریخ اسلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۱۰ هـ. ق، ج ۶، ص ۲۵۷-۲۶۷؛ ابن صباغ، *الفصول المهمه، تحقیق سامی الغریری*، قم: دارالحديث، ۱۴۲۲ هـ. ق، ص ۲۱۴-۲۱۶.

۶۸. مسعودی، پیشین، ج ۳، ص ۲۹۹؛ ابوالفرج اصفهانی، پیشین، ص ۱۵۳، ۱۲۱.
۶۹. درباره تنگ دستی مردم در دوره منصور، رک: احمد امین، پیشین، ص ۲۳۳؛ درباره افزایش مقدار مالیات و سخت گیری بر مردم، رک: مسعودی، مروج الذهب، پیشین، ج ۳، ص ۳۱۲.
۷۰. باقر شریف قرشی، حیاة الامام موسی بن جعفر، قم: دارالکتب العلمیه، ۱۳۸۹ هـ. ق، ج ۱، ص ۳۶۸.
۷۱. طبری، پیشین، ج ۷، ص ۶۱۱.
۷۲. درباره نامه نگاری بین منصور و نفس زکیه، رک: طبری، پیشین، ج ۸، ص ۹۵.
۷۳. ابن طقطقی، پیشین، ص ۲۱۵.
۷۴. درباره طرفداری محمد بن زید از منصور و اختلاف وی با دیگر برادرانش، رک: ابوالفرج اصفهانی، پیشین، ص ۲۵۷.
۷۵. وی از سران زیدیه بود.
۷۶. ابوالفرج اصفهانی، پیشین، ص ۲۶۸.
۷۷. ابوالفضل، ربیع بن یونس بن کیسان بن عباسی از موالیانی است که منصور، او را به عنوان حاجب برگزید و به مقام وزارت منصوب کرد (خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ هـ. ق، ج ۸ ص ۴۱۳؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ هـ. ق، ج ۱۸، ص ۸۵).
۷۸. طبری، پیشین، ج ۶، ص ۳۴۹.
۷۹. حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب از علویان مدینه است (خطیب بغدادی، پیشین، ج ۲ ص ۳۲۱).
۸۰. همان، ص ۳۴۳.
۸۱. همان، ص ۳۵۳.
۸۲. مسعودی، پیشین، ج ۳، ص ۳۲۱.

۸۳. نعمان بن ثابت، *الجندیة فی الدولة العباسیة*، بغداد: مطبعة اسد، ۱۹۵۶م، ص ۱۷۴.
۸۴. طبری، پیشین، ج ۶، ص ۳۶۶.
۸۵. همان، ص ۳۶۶-۳۶۸.
۸۶. همان، ص ۳۶۷.
۸۷. عمر سعیدی، *العیون و الحقائق فی اخبار الحقائق*، دمشق: المعهد للدراسات العربیة، ۱۹۷۳م، ص ۲۴۳.
۸۸. ابن اثیر، پیشین، ج ۶، ص ۲۶؛ سیوطی، *تاریخ الخلفاء*، تحقیق صالح ابراهیم، بیروت: دارصادر، ص ۲۷۳؛ طبری، پیشین، ج ۶، ص ۳۶۶-۳۶۸.
۸۹. مسعودی می گوید: وی فردی سنگ دل، تندخو و سرسخت بود (مسعودی، پیشین، ج ۳، ص ۳۳۵).
۹۰. ابن طقطقی، پیشین، ص ۱۷۴.
۹۱. درباره وصیت مهدی به هارون الرشید، رک: ابن قتیبہ، *الامامة و السياسة*، تحقیق علی شبیری، قم: شریف رضی، ۱۴۱۳هـ. ق، ج ۲، ص ۱۸۳.
۹۲. طبری، پیشین، ج ۶، ص ۴۴۴.
۹۳. خطیب بغدادی، پیشین، ص ۴۵۷.
۹۴. عقیلی، پیشین، ج ۳، ص ۴۷۱؛ ابن عدی، *الکامل فی ضعفاء الرجال*، تحقیق سهیل زکار، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹هـ. ق، ج ۶، ص ۴۰.
۹۵. مطابق روایاتی، وی با امام صادق ۷ ارتباط داشته است و بعدها به امامیه می پیوندد (کلینی، پیشین، ج ۷، ص ۳۷۶؛ شیخ طوسی، پیشین، ص ۳۴۲).
۹۶. نجاشی، پیشین، ص ۱۰۱.
۹۷. نام پدرش را مسلم و سلام نوشته اند که ناشی از تصحیف است.
۹۸. درباره خدمت او در حکومت منصور و مهدی عباسی، رک: خلیفه بن خیاط، *تاریخ خلیفه*،

- تحقیق سهیل زکار، بیروت: دارالفکر، بی تا، ص ۲۸۴.
۹۹. بلاذری، پیشین، ج ۳، ص ۳۲۹.
۱۰۰. محسن امین مهم ترین دلیل شیعه بودن وی را دفاع و حمایت از سید بن اسماعیل حمیری می داند (محسن امین، *اعیان الشیعه*، بیروت: دارالتعارف، بی تا، ج ۸، ص ۱۴۶).
۱۰۱. ابوالفرج اصفهانی، *اغانی*، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ هـ. ق، ج ۷، ص ۱۶۸.
۱۰۲. بلاذری، پیشین، ج ۳، ص ۳۲۸، ۳۴۵.
۱۰۳. درباره فرستادن وی به عنوان جاسوس، رک: طبری، پیشین، ج ۷، ص ۵۱۹؛ ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، پیشین، ص ۱۸۹؛ بلاذری، پیشین، ج ۳، ص ۲۱۴-۲۱۶.
۱۰۴. طبری، پیشین، ج ۸، ص ۳۹.
۱۰۵. ذهبی، *تاریخ اسلام*، پیشین، ج ۱۰، ص ۲۱.
۱۰۶. ابن بابویه، *عیون اخبار الرضا*، پیشین، ج ۲، ص ۷۳.
۱۰۷. ابن طقطقی، پیشین، ص ۲۵۲.
۱۰۸. ابن عماد حنبلی، *شذرات الذهب*، تحقیق عبدالقادر و محمود الارنؤوط، دمشق، دار ابن کثیر، ۱۴۰۶ ق، ج ۲، ص ۲۹۴.
۱۰۹. مسعودی، پیشین، ج ۳، ص ۳۱۲. وزارت در این دوره از مناصب مهم سیاسی و مقامی کلیدی در نگاه مردم به شمار می رفته است (ابن طقطقی، پیشین، ص ۲۰۶).
۱۱۰. همان، ص ۲۵۱.
۱۱۱. همان.
۱۱۲. طبری، پیشین، ج ۸، ص ۱۱۸.
۱۱۳. مطابق سخن بشار بن برد (م. ۱۶۷ هـ. ق) از شاعران برجسته عرب (خطیب بغدادی، پیشین، ج ۱۴، ص ۲۶۴).
۱۱۴. طبری، پیشین، ج ۶، ص ۳۷۱؛ ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، پیشین، ج ۶، ص ۲۲؛ جهشیاری،

- الوزراء و الكتاب، قاهره: مطبعة حلبی، ۱۳۵۷ هـ. ق، ص ۱۷۵؛ ابن خلدون، العبر و المبتدأ و الخبر، قاهره: بی نا، ۱۲۸۴ هـ. ق، ج ۳، ص ۴۴۷.
۱۱۵. طبری، پیشین، ج ۸، ص ۱۵۵-۱۵۹.
۱۱۶. طوسی، پیشین، ج ۲، ص ۵۴۲.
۱۱۷. همان.
۱۱۸. همان.
۱۱۹. برای مشاهده روایات هشام بن ابراهیم عباسی، رک: خویی، معجم رجال الحديث، بی جا: بی نا، ۱۴۱۳ ق، ج ۲۰، ص ۲۸۶.
۱۲۰. طوسی، پیشین، ج ۲، ص ۷۹۱.
۱۲۱. هذا عباسی فآمنه و خلی سبيله (همان).
۱۲۲. ابوالفرج اصفهانی، پیشین، ص ۳۲۵.
۱۲۳. درباره چگونگی همکاری وی با عباسیان و اقدامات سلیمان بن جریر، رک: ابوالفرج اصفهانی، پیشین، ص ۳۲۵-۳۲۶.
۱۲۴. طبری، پیشین، ج ۶، ص ۴۴۹.
۱۲۵. ابوالفرج اصفهانی، پیشین، ص ۴۶۹؛ سامی نشار می نویسد: یحیی بن عبدالله مجبور به مصالحه با هارون الرشید شد و سبب آن اختلافی بود که زیدیه بتریه پدید آوردند (سامی نشار، نشأة فکر الفلسفی فی الاسلام، قاهره: دارالمعارف بمصر، ۱۹۹۷ م، ج ۲، ص ۱۸۵).
۱۲۶. شیخ مفید، پیشین، ج ۳، ص ۲۷۴.
۱۲۷. ابن بابویه، پیشین، ج ۲، ص ۷۳.
۱۲۸. همان، ص ۷۲.